

اخبار حوادث

قتل فجیع زن جوان در خیابان هنگام تهران

زن جوان در زیرزمین یک آپارتمان در شرق تهران به طرز فجیعی به قتل رسید. ساعت ۲۳ پنجشنبه مورخ ۲۹ آذر ۹۷، مأموران کلانتری ۱۳۶ فرجام در تماس با باز پرس کشیک قتل پایتخت اعلام کردند، زن ۴۰ ساله‌ای در زیرزمین یک آپارتمان در خیابان هنگام به قتل رسیده‌است.

دقایقی بعد از اعلام این خبر قاضی دشتبان، باز پرس امور جنایی تهران همراه تیم تشخیص هویت آگاهی در صحنه جرم حاضر شده و مشغول تحقیقات درباره این پرونده شدند.

تیم جنایی با حضور در صحنه جرم، با جسد چاقو خورده مقتول در زیرزمین یک ساختمان مواجه شدند، بررسی بیشتر نشان داد عامل جنایت علاوه بر حمله به مقتول با چاقو، وی را خفه نیز کرده‌اند و حدود ۲ روز از مرگ مقتول می‌گذرد.

کارآگاهان در نخستین گام سراغ برادر مقتول رفتند که وی در اظهاراتش به کارآگاهان گفت: خواهرم مدتی بود که با همسرش زندگی نمی‌کرد؛ وی پاسخگوی تماسهای من و اعضای خانواده نبود به همین خاطر نگران شده و به خانه وی مراجعه کردم اما، هم‌باز پاسخگو نبود که در نهایت موضوع را به پلیس و آتش‌نشانی گزارش داده و پس از گشودن در خانه با جسد خواهرم مواجه شدم. در نهایت جسد مقتول با دستور قاضی دشتبان؛ باز پرس امور جنایی تهران به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات برای شناسایی و بازداشت متهم یا متهمان این پرونده ادامه دارد.

رهای گروگان ۶ ساله پس از ۲ ماه اسارت

فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان از آزادی پسر بچه ۶ ساله از چنگال ۱۵ ماهه رباخبر داد. سردار محمد قنبری در تشریح این خبر گفت: در پی گزارش یک آدم‌ربایی در اواخر مهرماه سال جاری در شهرستان «سراوان» تیمی ویژه از پلیس آگاهی موضوع را در دستور کار خود قرار داد. وی افزود: در بررسی‌های اولیه مشخص شد پسر بچه‌ای ۶ ساله به نام «محمد» توسط افرادی ناشناس گروگان گرفته شده و آدم‌ربایان در تماس با خانواده این کودک از طریق شبکه‌های مجازی برای رهایی او مبلغ ۶۰ میلیارد ریال مطالبه کردند. وی تصریح کرد: با توجه به حفظ جان این پسر بچه، تیم ویژه‌ای از کارآگاهان اداره مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی با هدایت مقام قضائی عملیات رهایی گروگان را آغاز کردند.

این مقام ارشد انتظامی تصریح کرد: با توجه به سر نخ‌های کم از آدم ربایان، عملیات شناسایی و دستگیری به کندی پیش می‌رفت که خوشبختانه تیم رسیدگی کننده پرونده با استفاده از شیوه‌های نوین پلیسی سرانجام روز جمعه گذشته مخفیگاه اعضای این باند را در بخش «آسیچ» شهرستان سراوان شناسایی کردند.

فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان عنوان کرد: ماموران با توجه به اهمیت حفظ جان گروگان خردسال در یک عملیات منسجم و هماهنگ، با محاصره مخفیگاه متهمان در اقدامی ضربتی و حساب شده وارد عمل شدند و گروگان را به صورت صحیح و سالم آزاد کردند.

سردار قنبری بیان کرد: در این عملیات ضمن دستگیری ۴ مرد و یک زن گروگانگیر، ۳ سلاح کلت کمری، ۶ تیغه خشاب کلاش و مقادیری مهمات کشف و ۳ دستگاه خودرو و یک دستگاه موتورسیکلت توقیف شد.

معمای جنایی در سنار بوی پیداشدن جسد یک زن

جسد زن جوانی که با ضربات متعدد جسم نوک تیز به قتل رسیده بود، کشف شد. ساعت ۱۳:۴۰ روز جمعه ۳۰ آذرماه سال جاری مأموران کلانتری ۱۶۰ خزانه در تماس با باز پرس کشیک قتل پایتخت اعلام کردند جسد زن ناشناسی در بزرگراه آزادگان، ورودی بلوار شهید دستواره کشف شده‌است. دقایقی بعد از اعلام این خبر، باز پرس امور جنایی تهران همراه تیم تشخیص هویت آگاهی در محل کشف جسد حاضر شده و مشغول تحقیقات درباره این پرونده شدند.

تیم جنایی با حضور در محل حادثه، با جسد زنی ۴۰ ساله فاقد مدارک هویتی مواجه شدند که آثار ضربات جسم نوک تیز بر روی تمام نقاط بدنش مشهود بود و بنا بر بررسی‌های اولیه حدود ۲۴ تا ۲۶ ساعت از مرگ وی می‌گذشت. در نهایت جسد برای شناسایی هویت به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات برای شناسایی و بازداشت متهم یا متهمان قتل این زن ادامه دارد.

تایید در دیوان

این رای با اعتراض اولیای دم در دیوان عالی کشور نقض و متهم برای دومین بار پای میز محاکمه ایستاد. زن جوان این بار نیز از قصاص معاف و به پرداخت دیه و ۸ سال حبس محکوم شد. رای صادره از سوی قضات شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور مورد تأیید قرار گرفت اما متهم با نوشتن نامه‌ای در خواست اعسار کرد.

پول دیه ندارد

به این ترتیب عشرت هفته گذشته در همان شعبه به ریاست قاضی زالی محاکمه شد. او در آخرین دفاعش گفت: «من کسی را کشتیم که مهدور الدم بود و این اعتقاد با توجه به دفاعیات پذیرفته شد. از نوجوانی روزهای سختی را گذراندم و حالا برای پرداخت دیه کسی که سال‌ها به خاطر اذیت‌های او آسایش نداشتم، باید بهترین روزهای زندگی‌ام را در زندان بگذرانم. تقاضا دارم هر چه زودتر از زندان آزاد شوم تا شاید طعم یک زندگی راحت را بچشم.» بنابه این گزارش، در پایان هیات قضایی وارد شور شد تا در این مورد تصمیم‌گیری کند.

غریبه می‌گذاشت و پول می‌گرفت. این وضعیت مرا خسته کرده بود به همین دلیل به خانه‌مادرم رفتم که عباس دنبالم آمد و تهدید کرد با او به تهران برگردم. از آنجایی که مادرم بیماری قلبی داشت این بار هم سکوت کردم و به تهران برگشتم.» عشرت در خصوص قتل گفت: «زندگی با عباس برایم مثل خانه وحشت شده بود به همین خاطر تصمیم گرفتم او را بترسانم. شب حادثه بالای سر شوهرم رفتم. او اتانول خورده بود و به خواب عمیق رفته بود. از این فرصت استفاده کردم و با چاقو دو ضربه به سینه اش زدم. فکر نمی‌کردم ضربه‌ها کشنده باشد و وقتی فهمیدم که کار از کار گذشته بود.»

معاف از اعدام

پرونده بعد از کامل شدن تحقیقات به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و متهم در اولین جلسه بعد از درخواست قصاص از سوی اولیای دم، با اعتقاد به مهدور الدم بودن شوهرش از قصاص معاف و به پرداخت دیه و ۸ سال حبس محکوم شد.

کردم. او قول داد مرا کمک کند و شش ماه بعد به عقد موقت او درآمدم.»

فاجعه باغ لواسان

عشرت در ادامه گفت: «عباس گفته بود قبلاً اعتیاد داشته و ترک کرده‌است اما بعداً فهمیدم دروغ گفته و کراک مصرف می‌کند. این آخر ماجرا نبود و هنوز چند روزی از زندگی مانگذشته بود که طعم خیابانگردی و تنهایی را چشیدم. شوهرم دوستانش را برای مصرف مواد به خانه دعوت می‌کرد به همین دلیل مجبور بودم ساعت‌ها در خیابان بمانم. اعتراض‌هایم بی‌فایده بود اما بدقابالی من به این‌جاهم ختم نشد.» عروس جنایتکار در حالی که گریه می‌کرد گفت: «روزی عباس مرا به باغی در لواسان برد و خودش به بهانه خرید از خانه بیرون رفت. دقایقی بعد سه مرد جوان وارد باغ شدند و مرا آزار دادند. وقتی اعتراض کردم فهمیدم شوهرم از آنها ۷۰۰ هزار تومان پول گرفته‌است. از آن روز اختلاف ما شدیدتر شد و او تهدید می‌کرد فیلمی را که از من دارد در اختیار خانواده‌ام می‌گذارد. مجبور شدم ساکت باشم اما شوهرم دست بردار نبود و هر بار برای تهیه مواد مرا در اختیار مردان

قتلگاه رساندند. مرد همسایه که در محل حضور داشت به مأموران گفت: «تیم‌های شب باسر و صدای عباس و همسرش از خواب بیدار شدیم. بعد از دقایقی زن جوان هراسان بیرون آمد و فریاد زد شوهرش را کشته‌است. وقتی به منزل آنها رفتیم با جسد شوهرش روبرو شدیم که خونین روی زمین افتاده بود.»

عروس ۱۸ ساله

ماموران عشرت ۱۸ ساله را که در صحنه حضور داشت دستگیر کردند و او به راحتی اعتراف کرد. این زن با اقرار به قتل شوهرش گفت: «شوهرم باید می‌مرد به همین خاطر او را کشتیم.»

فرار از خانه

سپس در شرح ماجرا گفت: «در روستا زندگی میکردیم و وقتی ۱۲ ساله بودم برادرم مرا آزار داد. جرأت نکردم در این مورد با کسی صحبت کنم به همین دلیل تصمیم گرفتم به تهران فرار کنم. شبها در پارک میماندم تا اینکه روزی روی صندلی پارک نشسته بودم که عباس آمد و کنارم نشست. سر حرف باز شد و ماجرای زندگی‌ام را برایش تعریف



شوهرم را کشته‌ام

چهارم مرداد سال ۸۸، مأموران پلیس گزارشی از قتل مرد ۲۶ ساله به نام عباس در خانه اش دریافت کرد و بلافاصله تیمی از مأموران خود را به

گروه حوادث: عروس ۱۸ ساله

که دست به قتل شوهرش زده‌است با اثبات ادعای شیطانی اش از قصاص معاف شد و حالا پولی برای پرداخت دیه ندارد.

خبر

داماد عصبانی با دندان گوش برادرزنش را کند

گروه حوادث: داماد خشمگین وقتی با برادرزنش درگیر شد از شدت عصبانیت با دندان به جان برادرزنش افتاد و گوش چپ مرد جوان را کند. روز سه شنبه ۲۷ آذرماه سال جاری مرد جوانی در حالی که گوش چپش باندپیچی شده بود پای در کلانتری ۱۰۶ نامجو گذاشت و از یک داستان عجیب، حمله وحشیانه و تهدیدهای ترسناک دامادشان پرده برداشت.

با توجه به تهدیدهای مرگبار داماد جوان، باز پرس شعبه اول دادسرای ناحیه ۴ دستور داد تا تیمی از مأموران اداره ۱۶ پلیس آگاهی تهران برای تحقیقات ویژه و دستگیری داماد جوان وارد عمل شوند.

حمله داماد به برادرزن

عصر ۲۴ مهرماه سال جاری زن جوان که با شوهرش درگیر شده بود با برادرانش تماس گرفت و خواست برای نجات جانش به خانه‌شان بروند.

۲ برادر جوان وقتی شنیدند که دامادشان اقدام به کتک کاری با خواهرشان کرده به سرعت پای در خانه خواهرشان گذاشتند و از جعفر خواستند تا به این کتک کاری‌ها پایان دهد. جعفر که در چهره‌اش عصبانیت دیده می‌شد وقتی در برابر برادرهای زنش قرار گرفت شروع به فحاشی کرد و از آنها خواست تا از خانه‌اش بیرون بروند که در این صحنه بین جعفر و حمیدرضا درگیری رخ داد و در این صحنه داماد عصبانی با دندان گوش چپ برادرزنش را گرفت. حمیدرضا سعی داشت جعفر را از خود دور کند اما داماد جوان با دندان شروع به فشار دادن گوش

برادرزنش کرد و این فشار تا حدی ادامه داشت که گوش چپ حمیدرضا کنده شد. داماد جوان پس از این اقدام هولناک از خانه خارج شد و پا به فرار گذاشت و حمیدرضا همراه برادر و خواهرش برای درمان به بیمارستان رفتند.

تهدیدهای ترسناک

حمیدرضا پس از درمان تصمیم داشت از دامادشان شکایت کند اما به خاطر خواهرش سکوت کرد و همه اعضای خانواده عروس جوان منتظر بودند تا جعفر به فرار پایان دهد و به خانه بازگردد و با حضور بزرگان این مشکلات پایان گیرد اما روزها گذشت و خبری از جعفر نشد. همه چشم به راه جعفر بودند اما داماد عصبانی در تماس با خانواده زنش به جای عذرخواهی شروع به تهدیدهای هولناک کرد و همین کافی بود تا ماموران اداره ۱۶ پلیس آگاهی تهران با در جریان قرار گرفتن این ادعاها برای دستگیری داماد فراری وارد عمل شوند.

دستگیری داماد خشمگین

کارآگاهان در تجسس‌های پلیسی پی‌بردند که جعفر پس از حمله عجیب به برادرزنش پا به فرار گذاشته و از تهران خارج شده‌است.

ردیابی‌های پلیسی برای دستگیری جعفر ادامه داشت تا اینکه ماموران اداره ۱۶ پلیس آگاهی تهران در ردیابی‌های اطلاعاتی متوجه شدند که داماد عصبانی به تهران بازگشته و در خانه یکی از دوستانش پنهان شده است. همین کافی بود تا ماموران ساعت ۱۱ آخرین روز پاییزی، ۳۰ آذرماه سال جاری در عملیاتی غافلگیرانه

جعفر را در مخفیگاهش دستگیر کردند.

جعفر که راهی جز اعتراف نداشت به ماموران گفت: ۱۰ سال قبل با همسرم از دواج کردم و در شهرستان زندگی می‌کردیم تا اینکه ۲ ماه قبل با اصرارهای خانواده زنم برای زندگی به تهران آمدم.

وی افزود: در این ۲ ماه همسرم بیشتر می‌توانست به خانه پدرش برود و این در حالی بود که خانواده زنم دخالت‌های بیشتری به زندگی ما داشتند و همین باعث شده بود که بین من و همسرم اختلافاتی بوجود بیاید. مرد جوان ادامه داد: اختلافات ما هر روز بیشتر می‌شد تا اینکه روز سه شنبه ۲۴ مهرماه بالا گرفتن مشکلات بین من و همسر درگیری رخ داد و زنم در این صحنه با برادرانش تماس گرفت و درباره کتک کاری من حرف زد.

تا مخفیگاه متهمان به صورت نامحسوس تحت نظر قرار گیرند. ماموران در ادامه پی بردند که یک زن و یک مرد دیگر نیز در برخی از سرقت‌ها همراه این باند بودند.

تجسس‌ها ادامه داشت تا اینکه ماموران در عملیاتی همزمان در تهران و کرج موفق به دستگیری اعضای این باند خطرناک شدند که در بازرسی از مخفیگاه دزدان ۲ تفنگ، گاز اشک‌آور، شوکر برقیف خودروی پژو پارس، گوشی موبایل سرقتی، ضبط و باند و طلاهای سرقتی به دست آمد.

دزدان که پس از دستگیری راهی جز اعتراف نداشتند به ۴۲ سرقت مسلحانه از رانندگان مسافرکش و دیگر طعمه‌هایشان در شهرهای پرند، ملارد، فردیس و هشتگرد پرده برداشتند.

بنا به این گزارش، باز پرس شعبه اول دادسرای عمومی و انقلاب کرج با توجه گسترده‌گی ۴ تن از متهمان با تقاضای چاپ این ۴ سارق خواست تا کسانیکه در دام این زورگیران مسلح و خشن قرار گرفته‌اند به اداره مبارزه با سرقت پلیس آگاهی استان البرز در میدان طالقانی کرج، بلوار تعاون مراجعه کنند.



سرقتی اقدام به خرید طلا و ساعت‌های گرانقیمت می‌کنند که در این شاخه از تحقیقات دوربین‌های مدار بسته مغازه‌های طلافروشی، ساعت فروشی و جلوی بانک‌ها مورد بررسی قرار گرفت و خیلی تصویر دزدان مسلح به دست آمد.

تیم پلیسی در این شاخه از تحقیقات با اقدامات فنی و پلیسی موفق به رد زنی دزدان مسلح در تهران و کرج شدند و همین کافی بود

مسلحانه دیگر قرار گرفتند.

کارآگاهان در این مرحله پی‌بردند که دزدان با خودروهای سرقتی به سراغ طعمه‌های دیگر رفته و در نقش مسافرکش اقدام به زورگیری از مسافران می‌کنند.

تجسس‌های پلیسی در حالی ادامه داشت که پرونده‌های مشابه دیگری در مناطق پرند، ملارد، فردیس و هشتگرد رقم می‌خورد. در ادامه مشخص شد دزدان با کارت‌های

باز پرس خواستار انتشار عکس‌های این باند شد

نقش عجیب یک زن در باند مردان هفت تیر کش

گرفت و به صدا درآورد، فکر می‌کردم دیگر زنده نمی‌مانم و آنها برای سرقت مرا خواهند کشت.

وی افزود: با دستور مرد مسلح در کنار خیابان خلوت توقف کردم و گوشی موبایل، پول و کارت‌های بانکی‌ام را در اختیارشان قرار دادم که در این مرحله آنها شروع به کتک زدن کردند و خواستند تا رمز کارت بانکی‌ام را در اختیارشان قرار دهم.

این مرد گفت: هیچ راهی جز تسلیم شدن نداشتم به همین خاطر رمز کارت‌تم را به آنها گفتم و یکی از دزدان به جلوی یک عابر بانک رفتم و از درستی رمز کارت‌تم اطمینان پیدا کردند و پس از آن مردان مسلح مرا از خودرو بیرون انداخته و با سرعت پا به فرار گذاشتند.

بدین ترتیب تیمی از ماموران پلیس آگاهی استان البرز برای دستگیری عاملان این سرقت خشن وارد عمل شدند و در همان تحقیقات ابتدایی در برابر چند پرونده سرقت

گروه حوادث: اعضای یک باند مسلح که یک زن در آن نقش آفرینی می‌کرد از مردان مسافرکش و طعمه‌های مسافران

زورگیری‌های میلیونی می‌کردند. چندی قبل مرد جوانی با حضور در اداره پلیس آگاهی استان البرز از ماجرای گرفتار شدن در دام زورگیران مسافر نماخبر داد.

مرد جوان به ماموران گفت: سوار بر خودرویم بودم که یک زن و ۳ مرد در کنار خیابان منتظر تاکسی بودند و من که به آنها شک نداشتم تصمیم گرفتم ۴ مسافرا سوار بر خودرویم کنم.

وی افزود: یک مرد در صندلی جلو نشست و ۲ مرد و یک زن دیگر در صندلی عقب نشستند و به سمت مقصد حرکت کردم که ناگهان مرد جوان اسلحه‌ای از زیر لباسش بیرون کشید و روی پهلویم گذاشت.

مرد مسافرکش ادامه داد: ترسیده بودم و از مسافران دیگر درخواست کمک کردم که یکی از آنها شوکر برقی در نزدیکی صورتم